

به امید آزادی زن ، از گرو اندیشه مرد

زن درنگرش ما شایسته ترین، نجیب ترین، شریف ترین، گرامی گویا ترین موجود پاکیزه و واجب‌احترام و باارزشی است که رسالت و مقام شامخ مسئولیتی، آزادی، آفرینندگی و فضیلت مداری وی در دایره حق گستری، توجیه و تأکید میگردد.

دردا که درتاریخ جامعه بشری و در همه ساختارهای حاکمیت سیاسی و قدرت دولتی، ملی و مذهبی کهن و معاصر، چهره ای که از درک اندیشه حق و حقوق زن بازگو می شود ، سخت مخدوش کننده، آزار دهنده و ناجور و توپیر (تبعیض) آمیز است.

رفع عینی و ریشه ای این مسئله، رسالت خیلی بزرگی است که باید آنرا با برخورد شفاف و دگراندیشانه در سطح ملی و جهانی مورد تأمل و بررسی قرار داد. و با آموزش نوین و بینش حرمت شناسانه این حق و حقوق ذاتی و انسانی را از زیر ابرهای سیاه تاریک اندیشان و عقب گرایان و خودخواهان و ثروت اندوزان بیرون کرد.

رویکرد تبعیض علیه زن مختص به کدام صورت بندی اقتصادی و اجتماعی معین، سنت ها و ادیان و مذاهب معین، قوانین و مقررات دولتی و کشوری این و یا آن قاره ای ملل و رژیم ها، نیست.

بلکه حق زن به اشکال مختلف، در همه وقت و همه جا و در همه ساختارهای حاکمیت سیاسی و قدرت دولتی و اجتماعی و نهاد های ملی مذهبی، بدون استثناء پیوسته بوسیله مردان دزدیده شده و به ستم گرفته شده است.

همین قدرت جسمی قویتر مرد و ناآگاهی خود بینانه وی از اصل اصیل حق زن و مادر است، که مبنایی برای زورگویی و تسلط وی گردیده و منحنیت شخصیت خود مختار و نیرومند در قانون گذاری و در امر و نهی جامعه آزادانه فرمان می راند.

و در قالب های اجتماعی خود بافتی و خود ساختی اندیشه، شخصیت حقوقی و نقش آفرینی اجتماعی خویش را با نمایش قدرت و سلامت جسمی، بالای زن جبراً تحمیل می نماید. و جایگاه مردانه خود را در کره خاکی همواره به نمایش می گذارد.

بگونه مثال - اگر بازگویی و داده های مٲون قدیم و اسناد و منابع معاصر را بخوانش گیریم در می یابیم که :

- تمام پیامبران و پیشوایان ملی و مذهبی در تاریخ بشریت مرد بوده اند.

- همه شاهنشاهان، شاهان و امیران و ژنرالان در تاریخ بشر نزدیک بکل مرد گذشته اند.

– کلیه ای پولداران و ثروتمندان و زمینداران و مالکین بزرگ روی زمین هم اکنون مرد هستند.

– حتا در قرن حاضر در جوامع سنتی و بویژه در کشور ما، مردان بگونه ای زن را من حیث یک شی بیجان حق ملکیت خود می دانند.

– این وده ها نمونه ای دیگری ازین بخش وجود دارد که موقعیت و جایگاه مردانه ای، مرد را در حیات حقوق اجتماعی و سیاسی و اقتصادی، جوامع برجسته به معرفی می گیرد.

بنأ رهایی زن از قید اسارت آز و حرص مرد و حس زن بارگی شرم آوری، بدون بازسازی و بازشناختی پایه های مادی و معنوی شعور اجتماعی و اخلاق اجتماعی و بررسی ماهیت نظام های حاکم و فرهنگ ضد زن در گل، امکان پذیر نیست.

محور مشخصات کلی و اساسی ما در مجموع تحقیق و پژوهش پایگاه اندیشه توپیر (تبعیض) جنسی و عدم برابری حقوقی میان زن و مرد است.

شرح کلی این مسئله مهم و باارزش جهانی، ایجاب پژوهش بیشتر و عمیق تر می نماید که بگونه ای در مفردات راهبردی اعلامیه جهانی مجمع عمومی سازمان ملل متحد مصوب 18 دسامبر 1978 میلادی زیر نام ” رفع هر گونه تبعیض علیه زنان ” مطرح گردیده است.

اما ما در این بحث کوتاه به بیان برخی از علل پایه های حق نشناختی اندیشه تبعیض جنسی زن و مرد، اکتفا می کنیم.

اول – نا آگاهی انسان از اصل شناخت کنه ذاتی حق و برابری حقوق زن با مرد می باشد. همین ناآگاهی مرد از اصل اصیل (حرمت، نجابت، کرامت) حقوق زن در تاریخ بشری بوده است که تبعیض علیه زنان را بمفهوم قائل شدن تمایز بر اساس جنسیت در ذهن و عمل مردان تبیین می کند.

در حالیکه زنان همچو مردان دارای کرامت گوهری اند و از نظر مقام فضیلتی و حقوق حقه انسانی باهم، همسنگی و همسنخی ذاتی دارند.

دوم – خطاهای ادراکی معرفت اعتقادی. که باعث برخورد کلیشه ای اندیشه، به حق و حقوق زن می گردد. این نگرش ذهنی مبنی بر تصدیق و باور، بی مهابا دریافت « حقیقت » را که همانا بازشناختی اصل اصیل (حرمت، نجابت، کرامت) حق زن هست، در زیر سلطه و امنیت عقیده و ایمان، مشکل می سازد.

بدور از وابستگی به برخورد های کلیشه ای اندیشه، و بتأسی از شناخت حق تساوی اهلیت قانونی زن و مرد، آرزو مندیم که:

-- حق مساوی زن و مرد بصورت واقعی آن – در قانون اساسی دول از جمله کشور ما گنجانیده و تسجیل گردد؛

- حمایت قانونمند زنان علیه هر نوع تبعیض، بوسیله دول و دادگاههای شفاف اندیش ملی و نهاد های مدافع حقوق بشر عملی گردد؛

- اتخاذ تدابیر لازم نهادهای قانونگذاری جهت تأمین حیات اجتماعی زن و خانوادگی، ضمانت حقوقی یابد؛

- لغو کلیه مقررات کیفری و تبعیض آمیز داخلی علیه زنان بوسیله دول و نهاد های ملی و مذهبی عملی گردد.

سوم - ضعف دانش و لغزش اخلاق اجتماعی. تا وقتی که شهروندان یک جامعه در کل و بویژه کشور ما ضمن ایجاد تغییر بنیادی در زیرساخت های جامعه، تربیت اخلاقی و انسانی نشوند و از آموزش و پذیرش سجایایی اخلاق اجتماعی که در بر گیرنده ارزشهای :

نیک نگرستن، نیک رفتار کردن، شفاف اندیشیدن، و حق بینی و حق خواهی و حق شناسی، بزرگواری و بخشندگی، قناعت و گذشت، شرافت و رفعت و قدر، اصالت و نجابت، الفت و محبت، صداقت و راستی، احسان و بردباری، حیثیت و وقار، تأمل و مدارا، خشوع و خویشتن داری، رحم و مهر، فداکاری و احسان،، پرهیزکاری و دوستی ورزیدن... و غیره اند، بهره مند نگردند. هیچگاه به عزت و حرمت شناسی و تعادل حقوق مدنی و انسانی زن و مرد، سر تسلیم و احترام عقلانی فرود نمی آورند.

بنابراین تا آن مرتبه ای که؟! درخت تنومند شعور اجتماعی، از چشمه زلال اخلاق انسانی و دگردوستی سرسبز و سیراب نگردد. نمیتوان از آشتی و همبستگی، همزیستی و همآیشی، همسنگی و برابری حقوقی زن و مرد در جامعه صحبتی به عمل آورد.

بالادای ادب